

## شهید مهدی مالکی



  
**ازتبار علی**  
سازمانه جامع سرداران و شهیدان استان بوشهر

نام پدر	ابراهیم
تاریخ تولد	۱۳۴۹/۰۹/۲۳
محل تولد	بوشهر - دشتستان
تاریخ شهادت	۱۳۶۷/۰۴/۰۴
محل شهادت	جزیره مجنون
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	بسیج
شغل	دانش آموز
تحصیلات	دوره راهنمایی
مدفن	برازجان

## زندگینامه

زندگینامه شهید:

بسم رب الشهداء

شهید مهدی مالکی در سال ۱۳۴۹ در خانواده ای مذهبی و متدین به دین اسلام پا به عرصه وجود گذاشت و در سال ۱۳۵۶ یکسال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در دبستان مهرت برازجان ثبت نام و پس از پایان دوره ابتدائی وارد مدرسه راهنمایی گردید. شهید مالکی علاقه به انقلاب اسلامی و رهبر آن داشت و همیشه در مساجد و جلسات سخنرانی حضور فعال داشت و عضو پایگاه مقاومت شهید باهنر بود ایشان عاشق جبهه و جهاد بود. وقتی که به او گفته می شد تو کوچک هستی و نمی توانی به جبهه بروی در جواب می گفت: یکی از یاران امام حسین (ع) خیلی از من کوچکتر بود و زمانی که در مقابل دشمن قرار گرفت به جای اینکه خود را معرفی کند می گفت: ای سپاه کوفه و شام بدانید که مولا و اقایم امام حسین است. و من باید مثل این جوان باشم و سرانجام در تاریخ ۱۲/۶۶/۱ به پادگان آموزشی قدس برازجان اعزام و پس از فراگرفتن فنون نظامی در تاریخ ۱۹/۳/۶۷ به جبهه های نبرد حق علیه باطل اعزام و جزا گردان ابوالفضل تیپ مشغول خدمت گردید و از آنجا به جزیره مجنون اعزام و جزا گروه آر-پی-جی شد و در تاریخ ۴/۴/۶۷ در اثر حمله دشمن بعضی ضمن رشادتهای بی نظیر که از خود نشان داد و بنا به گفته همزمانش تا لحظه آخر با قلبی پر امید جلو دشمن را همچون کوه سد کرده بود به فیض عظمای شهادت نائل آمد.

## خاطرات

بسم رب الشهداء

### خاطرات برادر شهید مهدی مالکی:

شهید مهدی مالکی در سال ۱۳۴۹ در شهرستان دشتستان در میان خانواده معتقد به دین و مذهب چشم به جهان گشود. تحصیلات خود را در همان شهرستان تا اینکه بنا به بیان امام(ره) مبنی بر بسیج نیروها جهت دفاع از مرز و بوم ایران اسلامی تصمیم گرفت لایک گفته و به جبهه ها بشتابد. به همین دلیل در بسیج محل نام نویسی کرد و علی رغم مخالفت به دلیل کم بودن سن با پافشاری فراوان پس از ۴ ماه آموزش در پادگان دوم منطقه دریائی بوشهر به جبهه اعزام شد. طبق نامه ای که به خط خود شهید موجود است در همان شب اعزام خودرو حامل بسیجیان اعزامی به منطقه در مسیر دچار سانحه گردیده که خوشبختانه به هیچ کدام از رزمندگان هیچ آسیبی نرسید. همگی صحیح و سلامت به وسیله یک ماشین سنگین به حرکت خود ادامه می دهند. پس از رسیدن به جبهه شبانه همراه گردان ابوالفضل از ناو تیپ الغدیر برادر پاسدار صابر به خط مقدم اعزام می شود در همان شب فرمانده ضمن اعلام وضعیت منطقه اظهار می دارد که هیچ کدام از افراد اعزامی هیچ امیدی به بازگشت نداشته باشند اما شهید با وجود سن کم شجاعانه به همزمان پیوسته و در عملیات سنگین مجنون سال ۶۷ در میان آتش و خون به مبارزه با رژیم عراق می پردازد. آن صبح مصیبت و خون به صبح می رسد و مهدی عزیز تا ساعت ۸ صبح روز بعد نیز در حال نبرد دیده می شود گروهی از مجروحین با همکاری شهید سوار یک خودرو نظامی شده و پشت خط اعزام می شوند. راننده خودرو بعدها به پدر شهید می گوید: از مهدی خواستم تا به عقب برگردد چون محاصره تنگ تر شده بود و تقریباً راههای برگشت مسدود گردیده بود اما شهید قاطعانه تمایل به ماندن در میدان جنگ نمود تا به عنوان آر پی جی زن مانع پیشرفت قایق های دشمن بشود. در همین نبرد دلیرانه مهدی اسیر شده و در اسارت با دست های بسته و ز روبرو به وسیله دشمنان اسلام و دین بی رحمانه به شهادت نائل می آید و به آرزوی خود می رسد. پیکر پاک شهید پس از ۶ ماه که مفقود الثر و خانواده در نگرانی کامل که هیچ اطلاعی از ایشان نداشتند کشف شد و به پدرش تحویل داده شد. شهادت ایشان در تاریخ ۴/۴/۶۷ در جزیره مجنون بود و خاک سپاری ایشان در تاریخ ۱/۱۰/۶۷ در زادگاهش صورت گرفت.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران